

An Introduction to International Law of Cyberspace

Alireza Annabi

Department of Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

dr.a.anabi20@gmail.com

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2023.699116

Keywords:

International Law,
Cyberspace,
Privacy,
Non-interference,
Prohibition of Use
of Force

Abstract

The international law of cyberspace is still in its initial stage of development and formation and the relevant international institutions and authorities are consulting on various issues related to the cyberspace. However, all the actors in this field have reached a consensus regarding such principles as the principle of freedom of information, the right to privacy, the principle of non-interference in the internal affairs of countries, as well as the principle of prohibiting the use of force in cyberspace, and the binding regulations and documents have been approved and implemented in a global scale in this regard. The nature of the cyberspace needs to be studied and analyzed enough to be able to apply the legal rules of the real space to that space. In this regard, concepts such as the civil responsibility, the criminal responsibility and, especially, the international responsibility and their instances and proofs in cyberspace must be analyzed and adapted. This issue has been covered by the present article.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

درآمدی بر حقوق بین‌الملل فضای مجازی

علیرضا عنابی*

گروه حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

dr.a.anabi20@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۶ آذر ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

حقوق بین‌الملل فضای مجازی در فرایند تکوین و شکل‌گیری هنوز در مرحله آغازین خود می‌باشد و نهادها و مراجع ذی صلاح بین‌المللی در موضوعات مختلف مرتبط با فضای مجازی در حال ریزینی هستند. با این همه کنش‌گران این حوزه در خصوص اصولی چون اصل آزادی اطلاعات، حق حریم خصوصی، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و هم چنین اصل منع توسل به زور در فضای سایبری به اجماع رسیده و مقررات و اسناد الزام‌آوری را در این راستا تصویب و در گستره جهانی اجرایی نموده‌اند، ماهیت فضای مجازی نیازمند بررسی و شناخت کافی آن جهت تعمیم قواعد حقوقی فضای حقیقی به آن فضا می‌باشد. در این راستا مفاهیمی مانند مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری و به ویژه مسئولیت بین‌المللی و مصادیق آنها در فضای مجازی باید بررسی و تطبیق داده شود. که در مقاله حاضر مورد تحلیل و تشریح قرار گرفته است.

کلید واژگان: حقوق بین‌الملل، فضای مجازی، حریم خصوصی، عدم مداخله، منع توسل به زور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه اینترنت با توجه به ویژگیهای منحصر به فرد خود آثار شگرفی بر کلیه سطوح حقوقی و سیاسی جامعه بین‌المللی گذارده است، توسعه روز افزون اینترنت به گونه‌ای بوده که اگر در چند دهه پیش، صرفاً ارگان‌های دولتی و مراکز تحقیقاتی و اشخاص خاص، امکان بهره‌برداری و فعالیت در فضای مجازی داشتند، در حال حاضر حتی افراد عادی نیز برآحتی میتوانند به این پدیده بی نظیر عصر اطلاعات دسترسی یابند. (اسلوین، ۱۳۹۹: ۶۱)

اینترنت که از ارتباط چندین شبکه رایانه‌ای بوجود می‌آید، فراتر از مرزهای جغرافیایی قدم گذاشته و محیطی فارغ از دنیای فیزیکی تحت عنوان فضای مجازی بوجود آورده است، که در آن، کاربران می‌توانند تجارت، مکاتبه، خرید، مشاوره تحصیل و... نمایند. (ناجی، ۱۳۹۰: ۴۲)

این پدیده با توجه به تفاوت بالقوه‌ای که با دیگر وسایل اطلاع‌رسانی دارد، ضمن تهدید نهادهای سنتی حقوق بین‌الملل از جمله حاکمیت دولتها، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولتها، اصل عدم تهدید و توسل به زور علیه دولتها و همچنین صلح و امنیت بین‌المللی، در حال ایجاد نهادهای جدید می‌باشد. علاوه بر آن اینترنت تبدیل به ابزار قدرتمندی جهت توسعه و ترویج اهداف سازمانهای بین‌المللی غیردولتی گردیده است. اگر اهداف حقوق بین‌الملل متبلور نمودن قواعد حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، حمایت از محیط زیست و ... است، اینترنت این ایده‌ها را وارد افکار عمومی جهانی می‌کند. (نمک دوست تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۷)

با توجه به امکان فعالیت‌های مختلف در فضای مجازی و ظهور واژگانی مثل «جرائم مجازی، شبه جرائم مجازی»، «تجارز در فضای مجازی»، «تروریسم مجازی»، این سوال مطرح شده که آیا این فضا با داشتن آثار حقوقی قابل توجه، نیاز به حقوق جدید دارد یا اینکه قواعد داخلی و بین‌المللی موجود میتواند پاسخگوی وضعیت حقوقی آن باشد؟

امروزه دیگر دولتها نمی‌توانند نسبت به تنظیم حقوقی فضای مجازی بی‌اعتنا بوده و آنرا را به خود کاربران و با ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی واگذار نمایند. بلکه جنبه‌های مختلفی از مسایل مالی و تجاری مانند قوانین مالیاتی، حقوق مالکیت معنوی، تجارت الکترونیک همچنین سیاست و اخلاق حسنه، دولتها را ناگزیر از چاره‌اندیشی جهت قانونمند نمودن فضای مجازی نموده است. (Aldrich, 2019: 178) لکن با توجه به اینکه حقوق و قواعد هر جامعه‌ای اصولاً در چارچوب مرزهای آن دارای معنا می‌باشد و با توجه به اینکه فضای مجازی مرزهای زمینی و خاکی نداشته بلکه از تعداد زیادی شبکه رایانه‌ای بوجود آمده که اطلاعات را بدون هیچ مانع جغرافیایی به آن سوی مرزهای ملی منتقل مینمایند، این سوال مطرح می‌شود که چه شخص یا اشخاصی در سطح ملی یا بین‌المللی قدرت و اختیار قانونمند نمودن این فضا را دارد؟ آیا هر دولتی می‌تواند به دلیل ورود اطلاعات به مرزهایش در هر مورد خود را ذینفع دانسته و اقدام به اعمال قانون نماید؟

با توجه به گسترش وسیطه اینترنت بر امور مختلف زندگی، بهره‌گیری از این وسیله، برای کلیه اعضای جامعه بین‌المللی غیرمترقبه می‌باشد. لکن شناخت ابعاد مختلف حقوقی فضای مجازی می‌تواند به دولتها و جامعه بین‌المللی در اتخاذ راهکارهای مناسب جهت مقابله با آثار جانبی و استفاده بهینه از آن کمک نموده و در صورت لزوم جهت وضع قواعد حقوقی جدید مفید باشد. اینک حقوق بین‌الملل وارد مرحله جدیدی از رشد و نمو خود شده و ناگزیر از مواجهه با این پدیده عصر اطلاعات است. (ضیایی بیگلری، ۱۳۹۶: ۱۴۷)

در مقاله حاضر سعی بر این است که اصول برجسته حوزه حقوق بین‌الملل فضای مجازی چون، اصل آزادی اطلاعات، اصل رعایت حق حریم خصوصی، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و اصل منع توسل به زور در فضای مجازی مورد تبیین و تشریح قرار می‌گیرد.

گفتار اول: اصل آزادی اطلاعات

اهمیت آزادی اطلاعات بعنوان یک حق بنیادین بشری در نخستین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ و در قطعنامه ۹ چنین به رسمیت شناخته شده است. «آزادی اطلاعات یک جن بنیادین بشر و... سنگ بنای تمامی آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است.» (Thomton, 2020: 105)

اصل آزادی اطلاعات به معنای این است که هر شخص حق دارد تا به کلیه اطلاعات دست یافته و با آنها را برای دیگران ارسال نماید. برخی معتقدند که این اصل، دنباله همان اصل آزادی مطبوعات است که در قرن نوزدهم برای نخستین بار مطرح شد. در هر صورت

باید توجه داشت که اصل آزادی اطلاعات بیشتر مربوط به تحولات قرن بیستم و ظهور وسایل ارتباط جمعی است. لذا باید اذعان نمود که برخلاف آزادی مطبوعات که بیشتر ناظر بر آزادی‌های درون مرزی بوده، اصل آزادی اطلاعات به عنوان یک اصل برون مرزی و بین‌المللی ظهور یافته و حال شرایط ایجاد شده در صحنه‌های بین‌المللی قرن حاضر می‌باشد. (نمک دوست تهرانی، ۱۳۹۲: ۳۳)

در این ارتباط برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ گزارشی به وسیله کمیسیون فرعی مربوط به آزادی اطلاعات و مطبوعات با عنوان «بیانیه حقوق تعهدات و رویه‌هایی که در مفهوم آزادی اطلاعات درج می‌گردد، اراته و طی آن اصل آزادی اطلاعات بدین شرح تشریح گردید: «آزادی اطلاعات یک حق اساسی است و ایجاد آن با هدف تشویق و افزایش آزادی افکار و نظرات، بدون دخالت دیگران و نیز تحقیق و دریافت اطلاعات و نظریات به هر وسیله ممکن و بدون در نظر گرفتن موانع مرزی آزادی دسترسی به پیشرفته‌ترین امکانات و گسترده‌ترین منابع اطلاعاتی بوده و همچنین شامل مسافرت‌هایی بمنظور گردآوری اطلاعات و نیز حفظ منابع آن می‌گردد.» (Grainger, 2018: 116)

در دوره پس از جنگ جهانی دوم، آزادی اطلاعات در چارچوب اصول و قواعد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی که در مقدمه منشور ملل متحد و ماده یک آن مورد توجه قرار گرفته‌اند و بر اساس مقرراتی که در برخی اسناد و مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده‌اند اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. (Timofeeva, 2013: 219)

باید در نظر داشت که ماده یک منشور مذکور، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی را یکی از هدف‌های مهم ملل متحد، معرفی نموده است، همچنین ماده ۵۵ این منشور تاکید کرده است که «... سازمان ملل متحد، رعایت احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برای همگان بدون توجه به تمایز نژاد، جنس، ژان یا مذهب را مورد حمایت و مساعدت قرار خواهد داد...» (Menthe, 2015: 173)

از جمله اسناد بین‌المللی مهم در این خصوص اساسنامه یونسکو می‌باشد در مقدمه اساسنامه یونسکو، در خصوص آزادی اطلاعات چنین گفته شده است: «... دولت‌های امضاء کننده این عهدنامه که مصمم‌اند پیگیری آزاد حقیقت عینی و مبادله آزاد افکار و دانش‌ها را برای همگان تامین کنند، تصمیم دارند روابط میان ملت‌های خود را به منظور شناخت و درک بیشتر یکدیگر و کسب آگاهی‌های دقیقتر و حقیقی‌تر راجع به عرف‌ها و عادت‌های مربوط به هر کدام از آنان گسترش و افزایش دهند...» (Greenberg, 2019: 140)

در واقع بر اساس مقدمه اساسنامه یاد شده، یونسکو موظف است برای کمک به آزادی اطلاعات و پیشبرد این آزادی در سراسر جهان، نقش برجسته‌ای ایفا کند. (Ivid: 143)

در این راستا قسمت اول بند دو ماده اول اساسنامه یونسکو مقرر می‌دارد:

«... برای نیل به این هدف‌ها، سازمان از طریق کمک به وسایل ارتباط جمعی، شناخت و تفاهم متقابل ملت‌ها را تسهیل می‌کند و به این منظور، آن نوع توافقی‌های بین‌المللی را که برای آسان ساختن جریان آزاد اندیشه‌ها به وسیله کلام و تصویر سودمند میدانند، مورد توصیه قرار می‌دهد...»

قسمت سوم بند دو ماده یک اساسنامه یونسکو نیز مقررات زیر را اعلام می‌کند:

«سازمان، با تشویق و ترغیب همکاری ملت‌ها در تمام شاخه‌های فعالیت فکری... به حفظ، پیشرفت و نشر معرفت کمک می‌کند... همچنین با استفاده از روش‌های همکاری‌های بین‌المللی مناسب و تسهیل دسترسی تمام ملت‌ها به آنچه هر کدام از آنان منتشر می‌سازند، به حفظ و پیشرفت و اشاعه نشریات، مساعدت می‌نماید...» (Smith, 2016:311)

هم چنین در مقدمه نخستین قطعنامه مندرج در سند نهایی «کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات» مقرر شده است: «آزادی اطلاعات، یک حق بنیادی مردم است و سنگ محک تمام آزادی‌های مورد حمایت ملل متحد، که بدون آنها، حفظ و حراست صلح جهانی به خوبی امکان پذیر نیست، به شمار می‌رود. آزادی اطلاعات، حاوی حق جمع‌آوری، انتقال و انتشار اخبار در هر جا و در همه جا، بدون محدودیت است. آزادی اطلاعات، از لحاظ ارزش و اعتبار آن، به چگونگی برخورداری مردم از گوناگونی منابع اخبار و عقاید بستگی دارد. آزادی اطلاعات، همچنین به دقت عمل مطبوعات و سایر کارگزاران خبری، در استفاده از امتیازات ناشی از مردم، بدون افراط و قبول و اعمال و تکمیل این آزادی با تعهد به جست‌وجوی واقعیت‌ها، بدون زیان رسانی و گسترش معرفت‌ها بدون نیت سو و وابسته است. آزادی اطلاعات به اعمال مؤثر مسئولیت‌های شناخته شده نیز بستگی دارد.» (Thomton, 2020: 1063)

همین‌طور بند یک ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی، حق آزادی بیان و اطلاعات را به شرح زیر می‌پذیرد:

۱- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده و دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید بدون دخالت مقامات دولتی و بدون توجه به مرزها می‌باشد».

این ماده دولت‌ها را از درخواست تحصیل اجازه برای پخش تبلیغات رادیویی - تلویزیونی محروم نخواهد کرد. (بروجردی علوی، ۱۳۹۷: ۶۲)

محدودیت‌های اجرای آزادی بیان و اطلاعات مطرح شده در بند یک ماده ۱۰ توسط بند دو ماده ۱۰ بیان شده است: «۲- اجرای این آزادی‌ها، از آنجایی که به همراه وظایف و مسئولیت‌هایی می‌باشد، ممکن است مشمول تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها و یا مجازات‌هایی که در قانون بیان شده و در یک جامعه دموکراتیک ضرورت دارد، قرار گیرد که عبارتند از منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت عمومی، جلوگیری از بی‌نظمی و جرم، حمایت از سلامت و اخلاق، حمایت از آبرو و حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات بدست آمده از اعتماد دیگران، برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی مقامات قضایی.» (Aldrich, 2019: 182)

لازم به ذکر است که در خصوص جریان آزاد اطلاعات و آزادی بیان در اینترنت، موانع فراوانی بدلیل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف ایجاد شده است که در ذیل مهمترین آنها بیان می‌شود:

۱- شکاف دیجیتال: «شکاف دیجیتال» در صحنه فضای مجازی یک واقعیت است. صرفاً «۱۵٪» از جمعیت دنیا، کاربران اینترنت بوده و به دنیای فضای مجازی رایانه ای دسترسی دارند. به جرأت می‌توان گفت، که اغلب کاربران اینترنت در وضعیت کنونی دنیای حاضر، دارای موقعیت مالی یا آموزشی بالایی جهت دسترسی به اینترنت هستند. این شکاف دیجیتال سبب محروم ماندن فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی بدون امکانات خواهد شد. جهت حل این مشکل به نظر می‌رسد که میبایست بر روی مسأله قدرت دسترسی به اینترنت برای همه، آموزش نحوه استفاده از آن و آگاهی کاربران از خطر استعمار، کار شود. (Council of Europe, 2014: 153)

۲- زبان: نوع زبان در اینترنت بسیار پایین بوده و زبانهای محدودی در دسترس کاربران می‌باشد بنابراین تعداد محدود زبانهای ارائه شده در اینترنت (با تفوق زبان انگلیسی)، مانع بسیار بزرگی جهت دسترسی سطح وسیعی از جمعیت دنیا به ابزارهای بیان است. نه تنها محتویات موجود در اینترنت، بلکه درخواست‌ها و راهنماهای آموزشی نیز اغلب به آن زبانی که کاربران با آن تکلم نموده یا بر آن تسلط دارند قابل دسترس نیست. (نمک دوست تهرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

در بسیاری موارد، دسترسی به اینترنت نیاز به آموزش یک زبان خارجی دارد. در گزارش بسیاری از کشورها به یونسکو در خصوص اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی به بحث زبان در اینترنت تأکید فراوانی شده است. (Grainger, 2018: 179)

۳- فرهنگ: آموزش کاربران در خصوص استفاده از اینترنت جهت تسهیل جریان آزاد اطلاعات، مهمترین اولویت جامعه اطلاعاتی می‌باشد. بیسوادگی گسترده در دنیا، یک عامل اساسی در محرومیت استفاده از تکنولوژی اطلاعات از جمله اینترنت می‌باشد. زنان در این بین به دلیل محرومیت بیشتر از یادگیری سواد و امکان تحصیلات و همچنین به دلیل رسوم سنتی، از نظر اجتماعی در حاشیه قرار داشته و نتیجتاً دسترسی کمتری به اینترنت خواهند داشت. نوع آموزش مورد نیاز در خصوص استفاده از اینترنت صرفاً آموزش فنی نمیباشد. بنابراین کارشناسان بر اهمیت برتر فرهنگ کاربران اینترنتی و رفتار مناسبی که به مردم دیگر و تنوع افکار آنها احترام میگذارد توجه دارند. (Timofeeva, 2013: 250)

۴- عوامل اقتصادی: ملاحظاتی بازرگانی و تجاری، کم کم به تنها دلیل رشد و توسعه اینترنت تبدیل می‌شود. سرمایه‌گذاران صرفاً به فکر سود فوری خود می‌باشند و این مانعی جهت تجربه اقدامات نوآورانه بوسیله اینترنت، علی‌الخصوص دسترسی جمعی یا آموزش نحوه استفاده از آن می‌باشد. هزینه‌های ارتباط کاربران با دنیای فضای رایانه‌ای مانعی قدرتمند جهت دسترسی همه افراد به دنیای شبکه‌ها می‌باشد. امروزه این وسیله بیشتر در دسترس اشخاصی قرار دارد که توانایی مالی تهیه رایانه و فراهم نمودن هزینه‌های ارتباطات اینترنتی را دارند. (خسروی، ۱۳۹۳: ۷۱)

۵- منابع محدود آدرس‌ها و اسم قلمرو: سیستم آدرس‌دهی در اینترنت که همکنون تحت پروتکل‌های آی. پی. وی چهار انجام می‌شود قابل انعطاف نیست. ما نیاز به جایگزینی پروتکل‌های جدید آی. پی. وی شش که اجازه استفاده از تعداد نامحدودی از آدرس‌ها و تعداد بیشتری از زبان‌ها و ویژگی‌ها را می‌دهد داریم. (Aldrich, 2019: 133)

۶- چارچوب قانونی و فنی: شرکت در مراجع تصمیم‌گیرنده در خصوص ایجاد هنجارها و استانداردها و تنظیم اینترنت هزینه بر بوده و نیاز به سطح بالایی از اظهارنظرهای فنی دارد. کشورهای در حال توسعه معمولاً از این مجامع محروم بوده و در صورت حضور نیز ناتوان از اظهار نظرهای فنی می‌باشند. (Grainger, 2018: 119)

گفتار دوم: حق حریم خصوصی

در حریم خصوصی یعنی «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور زندگی افراد و خانواده هایشان با ابراز مستقیم فیزیکی یا بوسیله نشر اطلاعات.» (Aldrich, 2019: 183)

حریم خصوصی زیر بنای توجه به شأن و منزلت انسانی و سایر ارزش‌ها، نظیر آزادی اجتماعات و آزادی بیان است. حریم خصوصی یک حق اساسی بشر و خواسته منطقی هر فرد می‌باشد. (Ibid: 185)

حریم خصوصی، یکی از مهمترین حقوق بشر است که امروزه توسط اینترنت در معرض خطر قرار گرفته است. فناوری جدید، امکانات بی‌سابقه‌ای را جهت تجاوز به حریم خصوصی ایجاد میکند. استفاده فزاینده از ابزارهای تهاجمی نظارت و جلوگیری از ارتباطات در اینترنت، سوء استفاده از داده‌های موجود در فایل‌های شخصی، نگرانی جدی نسبت به احترام به حیثیت بشر بوجود آورده است. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۵: ۱۲۷)

ارتباطات خصوصی افراد در اینترنت می‌تواند قطع شده و فایل‌های محرمانه که در کامپیوتر ذخیره شده و با اینترنت مرتبط گشته است از هر جایی در دنیا مورد دسترس قرار گرفته یا کپی شود. بعلاوه بسیاری از فعالیت‌های انجام شده در اینترنت مورد توجه و دقت کاربران قرار نگرفته و آثار اطلاعات شخصی که ممکن است جمع‌آوری شده و در متون مختلف مورد استفاده قرار گیرد، در اینترنت باقی‌گذاشته شود. (Smith, 2016: 322)

به عبارتی کاربران با بی‌توجهی نسبت به اطلاعاتی که از خود در طی انجام فعالیت‌های اینترنتی باقی می‌گذارند، ممکن است موجبات سواستفاده از داده‌های شخصی و خصوصی خود را فراهم آورند. بعنوان مثال مشاوره یک وب‌سایت می‌تواند اطلاعاتی را در خصوص رسوم یا سابقه کاربران که ممکن است برای اهداف تجاری مفید باشد آشکار نماید. گسترش استفاده از اینترنت، موضوعات متعددی در رابطه با حمایت از حریم خصوصی ایجاد نموده است. (Thomson, 2020: 197)

با توجه به قدرت، توان و سرعت فناوری‌های اطلاعاتی و در نتیجه، افزایش توان بالقوه تجاوز به حریم خصوصی، ایجاد توازن میان استقلال فردی و قدرت حکومتی از همیشه پیچیده تر شده است. شبکه‌های جهانی رایانه‌ای با اینترنت، با آنکه در پیچه‌های جدیدی در زندگی بشر گشوده و موجب بروز تحول عظیمی در برقراری ارتباط بین انسانها هم در بعد کمی و هم در بعد کیفی گردیده، اما در بسیاری موارد نیز اسباب نقض حقوق افراد را در گستره‌ای وسیع فراهم آورده است. (Menthe, 2015: 132)

بطور خاص اطلاعاتی که می‌تواند محرمانه و یا شخصی تلقی شده و امکان افشای آن از طریق اینترنت وجود دارد عبارتند از: علایم تجاری، روابط جنسی، امور مذهبی و یا سیاسی، اطلاعات پزشکی، اطلاعات مالی و یا امنیتی. این اطلاعات که به دلایل مختلف و برای سهولت دسترسی به آنها و یا انتقال به دیگر مراکز روی شبکه‌های رایانه‌ای حفظ می‌شوند، می‌توانند به راحتی در اختیار افراد غیر صالح گرفته و با افشای آن، ضررهای هنگفتی به مال و یا آبروی افراد وارد آید. (Greenberg, 2019: 107)

هرچند که بعضی از کشورها با وضع قوانین و مقررات مربوط به حمایت از داده‌ها، گام‌های مثبتی جهت حفظ حریم خصوصی افراد برداشته‌اند، اما این اقدامات نمی‌تواند در حفظ حرمت انسان‌ها به حد کافی موثر باشد. زیرا اولاً: حیطه این قبیل قوانین شامل تمام موضوعات مبتلا به نمی‌شود. ثانیاً: تاکنون مفهوم واحدی از حق حریم خصوصی و نقض آن در بین کشورهای جهان به دست نیامده که این امر خود موجب عدم اتخاذ اقدامات بایسته قانونی میشود. ثالثاً: حق حریم خصوصی هنوز بعنوان یک قاعده آمره چه در حقوق بین‌الملل چه در حقوق داخلی کشورها شناخته نشده است تا از طریق آن بتوان دامنه شمول و لزوم رعایت حق حریم خصوصی را فراگیر و همگانی قلمداد نمود. رابعاً: به دلیل وسعت قلمرو شبکه‌های اطلاع رسانی، امکان جلوگیری از نقض این حقوق، بدون وجود یک راهکار بین‌المللی و همه‌جانبه وجود ندارد و تا زمانی که کشورهای مختلف بزم مفهوم واحدی از حریم خصوصی و نقض آن، به نقطه اشتراک نرسند و تصمیمات مشترکی اتخاذ نکنند، امکان حصول یک راه حل عملی وجود نخواهد داشت. (شریف، ۱۳۹۰: ۸۱)

در بسیاری از کشورهای دنیا، جمع‌آوری، استفاده و نشر اطلاعات شخصی چه بوسیله دولت و چه بوسیله بخش خصوصی و همچنین دفاع از سایر حوزه‌های حریم خصوصی، تحت کنترل قوانین عمومی است و بر حسن اجرای آن هم نظارت صورت می‌گیرد. الگوی

قوانین جامع توسط اتحادیه اروپا و نوع دیگری از آن هم در کانادا و استرالیا پذیرفته شده و در حال اجرا است. (مرکز مطالعات، ۱۳۹۹: ۱۷)

در اتحادیه اروپا در همه کشورهای عضو آن، حمایت از حریم خصوصی و محرمانگی ارتباطات، بعنوان یک ارزش اساسی، بوسیله قوانین کلی با اصول ایجاد شده بوسیله رویه قضایی حمایت شده است.

بعنوان مثال ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شورای اروپا، حریم خصوصی و محرمانگی ارتباطات بین کاربران اینترنت را حمایت می‌کند. این مقرر هر مقام دولتی یا اعضای خصوصی مانند کارفرمایان با ارائه کنندگان خدمات اینترنتی را از قطع ارتباطات اینترنتی کاربران با استثنائات محدودی مانند جلوگیری از جرم یا امنیت عمومی - منع می‌کند. استثنائات این اصل، از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. (مقیه‌زاو ۲۰۱۹: ۱۶۵)

گفتار سوم - اصل عدم مداخله

اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها عبارت است از شناسایی حقوق یک ملت در انتخاب نظام سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی ویژه‌ای که برای تحقق ارزش‌ها و منافع خود انتخاب می‌کنند و انجام ندادن عملی که منافی با این حق به رسمیت شناخته شده می‌باشد، مشروط به اینکه اعمال و اختیارات حقوقی، اقتصادی و غیره از جانب یک کشور با حقوق دیگر ملت‌ها و جوامع منافات نداشته باشد و ضرر و زیانی برای آن ملت‌ها به بار نیاورد. (شریف، ۱۳۹۰: ۵۳)

اصل عدم مداخله ریشه در حقوق طبیعی دارد که براصالت فرد استوار بوده و با روابط بین‌المللی دولت‌هایی که در حقیقت نماینده مردم نبوده و به صورت دیکتاتوری اداره می‌شدند، کمترین مناسبتی نمی‌توانسته داشته باشد. حکومت‌هایی که دولت را جایگزین فرد نموده و همه حقوقی را که فرد در حقوق داخلی بر اساس حقوق طبیعی می‌توانسته داشته باشد برای دولت قائل شده و بر همین اساس، اصول متعددی را به عنوان حقوق اساسی دولت‌ها مطرح کردند. این حقوق اساسی واجد خصوصیات مطلق بودن و نقض ناپذیر بودن و قابل واگذاری نبودن به قدرت‌های دیگر است و عبارتند از: حق صیانت، حق استقلال، حق مساوات، حق احترام متقابل و حتی بازرگانی جهانی. (Aldirich, 2019: 158)

اتفاق نظر بین‌المللی در خصوص ممنوعیت مداخله، در قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی منعکس گردیده است. مثلاً اعلامیه غیرقابل قبول بودن مداخله در امور داخلی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها، مصوب ۱۹۹۰ و اعلامیه مربوط به اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دو ستانه و همکاری بین کشورها مطابق منشور سازمان ملل، که بدون رأی گیری، در سال ۱۹۷۰ به تصویب مجمع عمومی رسید. اعلامیه نهایی کنفرانس کشورهای آسیایی و آفریقایی ۱۹۰۰ نیز به ترامادی که اصل دکترین همزیستی مسالمت‌آمیز را تشکیل می‌دهند اشاره کرده، عدم مداخله در امور داخلی کشورها را اصلی اساسی قلمداد می‌کند و حتی خود منشور نیز در بیان اهداف خود، به اصل عدم مداخله در اموری که ذاتاً در صلاحیت ملی کشورها است، اشاره می‌نماید. (Thomaton, 2020: 311)

به هر حال اعلامیه مورخ ۱۹۷۰ میلادی، مداخله مسلحانه و تمام اشکال دیگر دخالت و با تلاش در تهدید شخصیت کشورها عنصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را مغایر با حقوق بین‌الملل دانسته است، زیرا مداخله به خصوص مداخله مسلحانه به حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها لطمه وارد می‌کند و این خلاف نص صریح منشور ملل متحد است. (Greenberg, 2019: 178)

البته امروز اصل عدم مداخله استثنائاتی را دارد که مورد پذیرش مراجع بین‌المللی قرار گرفته است از جمله آنها عبارتند از:

۱- کشور مداخله کننده، طبق یک پیمان با قرارداد، مجاز به دخالت باشد (مانند دخالت دولت ایالات متحده در آمریکای لاتین)
 ۲- چنانچه یک کشور طبق معاهده منعقد با دولت مداخله کننده، ملزم به پیگیری سیاست مشترک باشد و اصول این معاهده را نقض نماید.

۳- دخالت برای حمایت از اتباع خود

۴- دفاع از خود

۵- چنانچه کشوری موازین بین‌المللی را نقض نماید (نقض فاحش موازین بین‌المللی)

۶- در صورتی که سازمان ملل متحد (بر اساس منشور ملل متحد) به اقدام مشترکی علیه کشوری دست بزند که صلح بین‌المللی را نقض کرده یا مرتکب تجاوز شده باشد. (آرین، ۱۳۹۸: ۸۷)

با توجه به مطالبی که گفته شد، این سوال مطرح می‌گردد که آیا نقض هر کدام از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند توسط به زور را توجیه کند آیا میتوان بین حقوق بشر، تفکیک قائل شده و نقض بعضی را قابل تحمل و برخی دیگر را غیر قابل اغماض تلقی کرد، اگر چنین است، آیا محروم نمودن جامعه ای از حق آزادی عقیده و بیان و لوازم آن، یعنی حق کسب خبر و نشر آن از سوی دولت حاکم بر آن جامعه، جامعه بین‌المللی را محق توسط به زور می‌نماید یا خیر؟

اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر، گاهی حقوق بشر را با اوصافی از قبیل «اساسی» یا بنیادین توصیف کرده و در این توصیف میتوان مصادیق حقوق بشر را به آن بخش که دارای اوصاف مذکور است و آن بخش که فاقد آن اوصاف شمرده می‌شوند، تقسیم کرد. بند سه ماده یک منشور و بند ب ماده ۵۵ نیز این خصوصیت را دارد. همچنین انعقاد دو میثاق بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر که یکی مربوط به حقوق و مدنی و سیاسی و دیگری مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است نیز اعتقاد به تفکیک فرق را تقویت می‌کند. (Smith, 2016: 189)

حق آزادی عقیده و بیان و لازمه آن، یعنی حق کسب خبر و نشر آن، در زمره حقوق مدنی و سیاسی است. بشر هنگامی که خود را در وضعیت زیست آزادانه فردی در خطر می‌بیند، به انگیزه صیانت از حیات خود به ایجاد «دولت» روی می‌آورد و آزادی فردی خود را فدای اقتدار دولت می‌کند. لکن در چنین وضعیتی نیز در تلاش است که حقوق فردی خود را از تعرض دولت حفظ نماید. درج این حقوق در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها، نمونه ای از این تلاش می‌باشد. بنابراین دخالت بشر دوستانه این گونه تعریف و توصیف می‌شود که نهاد مداخله‌گر خود را نماینده مردم دانسته و در صدد است که مانع دولت اقتدارگر از تجاوز به حقوق فردی گردد. (Hamano, 2017: 143)

دولتها در صحنه بین‌المللی موظف به احترام به حاکمیت یکدیگرند، لیکن تعهد دیگری نیز در برابر افراد بشر دارند و آن پاسداری از حقوق فردی آنان و خودداری از تجاوز به آن است. حال چنانچه دولتی این تعهد را نادیده گرفت، حاکمیتش دیگر قابل احترام نبوده و دیگر دولت‌ها خود را محق می‌بینند که بدلیل نقض تعهداتش، آن کشور را مورد مداخله بشر دوستانه قرار دهند. قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد از چنین مداخله‌های جانب‌داری نموده است. ماده پنج قطعنامه تعریف تجاوز و متن اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل، مؤید این ادعاست. (timodeeva, 2013: 119)

آزادی عقیده و بیان که حق کسب و نشر آزادانه اخبار و اطلاعات - از جمله اینترنت - که به جریان آزاد اطلاعات تعبیر می‌شود، لوازم آن است در اعلامیه امحای تمامی صور نابردباری و تبعیض بر پایه مذهب و عقیده بعنوان یکی از حقوق اساسی بشر شمرده شده است. در بندهت ماده شش این اعلامیه، یکی از مصادیق این حقوق حق آزادی طبع، چاپ و نشره و ضمن بند خ آن ماده برقراری و حفظ تماس‌های مکاتبه‌ای با اشخاص در سطح ملی و بین‌المللی» بعنوان مصداق دیگر این حقوق معرفی شده‌اند. به این ترتیب قطعنامه‌های شورای امنیت که مجوز دخالت نظامی را برای پاسداری از حقوق اساسی بشر صادر نموده، بر پایه قطعنامه‌های مجمع عمومی بنا می‌شود. (Grainger, 2018: 157)

اینکه چه مرجعی «حقوق اساسی و بنیادین» را که نقض آنها دخالت بشر دوستانه را مجاز مینماید، تعریف خواهد کرد، مشخص نیست. همانگونه این مساله که آیا نقض حق جریان آزاد اطلاعات - علی‌رغم آنکه از مصادیق حقوق فردی و جرح حقوق مدنی می‌باشد - می‌تواند موجبات دخالت نظامی دیگر دولت‌ها را فراهم نماید، مشخص نمی‌باشد. (Aldrich, 2019: 357)

از لحاظ نظری، ممان دلایلی که دخالت نظامی به لحاظ نقض حق حیات، حق انتخابات آزاد، آزادی مذهب و غیره را مجاز ر قانونی می‌داند، دخالت نظامی به لحاظ نقض آزادی عقیده و بیان را نیز توجیه میکند. در زمان تدوین منشور سازمان ملل متحد، در مورد حقوق بشر، اتحاد جماهیر شوروی سابق، بر احق کار و تعلیم و تربیت» بعنوان حقی که باید مورد احترام قرار گیرد، پافشاری مینمود. لکن آمریکا و انگلیس بر حقوق دیگری مانند «آزادی اخبار و اطلاعات و آزادی مذهب اصرار داشتند. (Menthe, 2015: 183)

پویایی جامعه بین‌المللی و آثار آن در نگرشهای راجع به حقوق بشر، موجب شد که حقوق بشر که حین تدوین منشور، وسیله‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بعنوان هدف غایی ملل متحد قلمداد می‌شد خود به صورت هدف در نظر گرفته شود نه وسیله. (Ibid: 187) این تحول، دخالت بشر دوستانه را توجیه نمود و با توجه به تفکیک حقوق مدنی و سیاسی از یک طرف و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طرف دیگر، حق آزادی اخبار و اطلاعات که از مصادیق حقوق فردی است، در دسته‌بندی حقوقی قرار گرفت که نقض آنها به کرات، شورای امنیت را مباشر توسط به زور نموده است؟

نکته اساسی در این مقاله، تشخیص حقوق اساسی و بنیادین است که نقض آنها می‌تواند مشمول دخالت بشر دوستانه گردد. لیکن حد منطقی و حیطه این دسته از حقوق بشر کاملاً مشخص نبوده و در جوامع مختلف و حتی نزد علمای مختلف حقوق، دارای تعبیر متعددی است که البته قدر متیقن آن مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. بعنوان مثال نقض حقوقی مثل حق حیات و لوازم آن مثل منع بردگی، منع شکنجه و ... محل تردید نبوده و براحتی بعنوان حقوق بنیادین و اساسی بشر، تلقی می‌گردد که تخطی از آنها مستوجب عکس‌العمل بین‌المللی خواهد بود. (Thomton, 2020: 160)

نظر دیگری که در این زمینه مطرح شده این است که تمامی حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، عناصر اساسی قاعده آمره می‌باشد. با توجه به اینکه نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل، جرم بین‌المللی و منحل نظم عمومی بین‌المللی به شمار می‌آید. لذا اعتقاد به ترادف بین حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و از جمله حق آزادی اخبار و اطلاعات، بدین معنا است که حق آزادی اخبار و اطلاعات لازمه نظم عمومی بین‌المللی است و چنانچه نقض شود، هریک از دولت‌ها به این لحاظ که منافع مشروع آنها نقض شده، حق دخالت دارند. (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

گفتار چهارم: اصل منع توسل به زور

عصر اطلاعات، فرصت‌هایی را برای وقوع جرم مجازی، «جنگ مجازی» با جنگ اطلاعاتی فراهم نموده است. عصر اطلاعات باعث شده که روشها و ابزارهایی که دولتها بوسیله آن، در صحنه بین‌المللی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند، در حال تغییر باشد. (آرین، ۱۳۹۸: ۱۲۷)

نحوه بکارگیری حقوق بین‌الملل نسبت به استفاده از بعضی از ابزارهای جنگی معین شده است. بعنوان مثال، استفاده از سلاح‌های الکترومغناطیس و سلاح‌های مرتبط با انرژی مانند: لیزر، ماکروویور و تفنگ‌های با فرکانس بالای رادیویی، احتمالاً می‌توانند براساس اصول قانونی که در خصوص سلاح‌های سنتی وجود دارد، تنظیم شوند. لیکن بکارگیری حقوق بین‌الملل موجود نسبت به حمله اطلاعاتی، خیلی آسان نیست. (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۵۱)

واژه حمله اطلاعاتی در واقع بیانگر استفاده از ابزارهای الکترونیک جهت دسترسی یا تغییر اطلاعات در سیستم اطلاعاتی کشور هدف بوده، بدون اینکه الزاماً موجب صدمه مبارزان یا نظامیان فیزیکی شود. (شریف، ۱۳۹۰: ۶۲)

یکی از اشکال اصلی حمله اطلاعاتی، حمله به شبکه‌های رایانه‌ای یا به اصطلاح امروزی هک کردن سیستم‌های رایانه‌ای کشور دیگر است. (ناجی، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

ماهیت جنگ اطلاعاتی، این تصور را به ذهن متبادر می‌سازد که هرچند هنجارهای حقوق بین‌الملل که در منشور ملل متحد تجسم یافته، مفید هستند. لیکن این قواعد ممکن است برای رسیدن به راه‌حل‌های قابل قبول درخصوص تکنولوژی جدید اطلاعات و پیامدهای آن، کافی نباشند. (Aldrich, 2019: 132)

تکنولوژی‌های جنگ اطلاعات از طریق شبکه‌های رایانه‌ای، بعد از جنگ سرد، مسایلی را درخصوص تعریف قانونی «حمله مسلحانه» و «دفاع مشروع» که در منشور ملل متحد مقرر شده بوجود آورده است. امروزه این واقعیت که دولتها می‌توانند به زیر ساخت‌های اطلاعاتی کشور دیگر رخنه نموده و موجب صدمات فیزیکی فراوانی شوند، مسایل پیچیده‌ای را مطرح کرده که تا قبل از آن، یعنی زمانی که دولتها از طریق ارتش، هواپیماها، کشتی‌ها، تانک‌ها و سلاح‌های مرسوم، به یکدیگر حمله می‌نمودند، عنوان نشده بود. (Grainger, 2018: 167)

ابزارهای حمله نیز ممکن است بطور محسوس قابل وضوح نبوده و صرفاً بصورت امواج الکترونیکی رادیویی باشند. این مسایل بکارگیری تراعد سنتی حقوق بین‌الملل را که در پاسخ به تهاجم سرزمینی و حملاتی که از طریق گروه سربازان، هواپیما کشتی و سلاح‌های جنبشی که در آنها قربانی می‌تواند ببیند و حمله را حس کند و معمولاً مبارزین آن قابل مشاهده هستند، پیچیده می‌کند. (Thomton, 2020: 350)

امروز یک حمله اطلاعاتی ممکن است بوسیله یک موجودیت خصوصی خارجی یا اشخاصی که هیچ ارتباطی به هیچ کشوری ندارند یا مزدورانی که در خدمت دولتها بوده و مرتکب جنگ اطلاعاتی می‌شوند، لیکن نمی‌توان اقدامشان را به یک دولت نسبت داد، انجام شود. یک حمله کننده اطلاعاتی ممکن است، اصلاً در محلی که حمله از آنجا شروع شده یا آثار حمله در آن هویدا شده، حضور نداشته

با شد. ابزارهای حمله نیز ممکن است قابل کشف نباشد. یک ویروس رایانه ای که از طریق یک دای - میل، فر ستاده می شود، مانند زمانی که موشکی از کشوری پرتاب می شود، قابل شناسایی نیست. (Smith, 2016: 192)

امروزه این نگرانی برای دولت‌ها ایجاد شده که حملات مبتنی بر رایانه می‌تواند سرویس‌های ارتباطی، هوایی و مالی کشور را مختل نموده و موجب خسارات شدید نسبت به سیستم‌های دفاع ملی، سرویس‌های حیاتی و حتی صدمه به رفاه عمومی گردند. (Hamano, 2017: 113)

پتانسیل مخرب جنگ اطلاعاتی، دلالت‌های نظامی بین‌المللی جدیدی ارائه نموده و ملاحظات تحلیلی وسیعی را در خصوص جنگ اطلاعاتی جهت شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل معاصر که مربوط به استفاده از زور می‌باشند، می‌طلبد. بسیاری از کشورها در حال پی‌گیری برنامه‌های مجازی در خصوص اقدامات مجرمانه بوده و جنگ اطلاعات را وارد دکتترین نظامی خود نموده‌اند. (Timofeeva, 2013: 214)

ویژگی‌های عجیب تکنولوژی رایانه‌ای، آینده آن را نامعلوم ساخته و اشکال جدید تجاوز، متفاوت از شکل‌های قدیمی و قبلی تجاوزات نظامی را بوجود آورده است. بعضی از ابزارهای مجازی مانند نفوذگرها و ویروس‌های رایانه‌ای، ممکن است نزاع نظامی را از دنیای فیزیکی به دنیای الکترونیک وارد نماید. بعضی از ابزارهای جدید رایانه ای ممکن است آثار فیزیکی اندکی نسبت به دشمن داشته باشد. درحالیکه سلاح‌های رایانه ای دیگری وجود دارند که می‌توانند موجب ویرانی عظیم یا نابودی زندگی شوند. (آرین، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

سلاح‌های مجازی جدید، نیازی به نفوذ فیزیکی فراتر از مرزهای ملی ندارند. در حالیکه ابزارهای قبلی و مرسوم سنتی همیشه مستلزم دخالت نظامی در کشور دیگر بوده است. (شریف، ۱۳۹۰: ۴۸)

معاهدات بین‌المللی وجود دارند که حاوی مقرراتی هستند که بطور بالقوه می‌توانند نسبت به حملات جنگ اطلاعاتی بکار گرفته شوند، بعنوان نمونه کنوانسیون حقوق دریاهای، کنوانسیون ارتباطات دوربرد بین‌المللی ۱۹۸۲ و معاهدات فضایی متعدد شامل محدودیت‌هایی است که میتوان آنها را به اقدامات اطلاعاتی تسری داد. (اسلوین، ۱۳۹۹: ۱۷۵) هر چند که گاهی برای بکارگیری این مقررات نسبت به حملات رایانه ای، لازم است زبان معاهده را فراتر از حیطه ظاهری آن بسط دهیم.

در این خصوص ماده ۳۵ معاهده ارتباطات دوربرد بین‌المللی مقرر میدارد: «همه ایستگاه‌ها، باید به روشی که موجب مداخله زیان آور نسبت به سرویس‌های رادیویی یا ارتباطات اعضای دیگر نگردد، ایجاد و بکار گرفته شوند.» همچنین کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ نیز انتشارات یا سخن‌پرانی از دریاهای آزاد را که موجب تداخل با امواج رادیویی کشور ساحلی شود منع می‌کند. (Ibid: 172)

البته کنوانسیون بین‌المللی ارتباطات دوربرد در ماده ۳۸ مقرر می‌کند: «اعضا آزادی کامل خود را در ارتباط با نصب رادیو نظامی ارتش، نیروی دریایی و هوایی شان حفظ خواهند نمود.» این ماده پارازیت جنگ اطلاعاتی را از انتشارات محلی یا حداقل آنهایی که از دریاهای آزاد علیه دولت‌های ساحلی صورت نمی‌گیرد، مستثنی می‌کند. (Greenberg, 2019: 127)

اخیراً روسیه استفاده از ابزارهای جنگ اطلاعاتی را با دیگر ابزارهای کشتار جمعی، یکسان فرض نموده است. (Thomton, 2020: 319)

در این راستا معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کشف فضای ماوراء جو مقرر می‌کند: «طرفین متعهد می‌شوند که در مدار زمین هیچ شیء حامل سلاح‌های هسته‌ای یا هر نوع دیگر از سلاح‌های کشتار جمعی قرار ندهند...» (آرین، ۱۳۹۸: ۱۸۱)

این مسأله واضح نیست که آیا استفاده از ماهواره‌هایی که حامل اطلاعاتی است که بخشی از یک سلاح جنگ اطلاعاتی محسوب شده و درصدد قطع و انهدام عظیم است این مقررات را نقض می‌کند؟ همچنین این بحث وجود دارد که آیا یک ابزار جنگ اطلاعاتی می‌تواند مشمول واژه «سلاح کشتار جمعی» باشد، با توجه به اینکه این لغت فقط به سلاح‌های هسته‌ای بیولوژیکی و شیمیایی اطلاق می‌گردد. (Hamano, 2017: 150)

بهرحال هنوز معاهده بین‌المللی که صراحتاً به بحث حملات رایانه ای و ابزارهای مورد استفاده در آن پرداخته باشد در جامعه بین‌المللی شکل گرفته است. ممکن است در آینده ویا توسعه ابزارهای جنگ اطلاعات و استفاده از آنها، کشورها ناگزیر از انعقاد چنین معاهده‌ای شوند.

نتیجه‌گیری

اینترنت که از بهم پیوستن چندین شبکه رایانه‌ای که اطلاعات بین آنها ارسال می‌گردد بوجود آمده قلمرو جدیدی برای فعالیت‌های بشری بوجود آورده است که به آن فضای مجازی گفته می‌شود. این فضا با توجه به اینکه لاندسکان فیزیکی بوده و مرز معینی ندارد، کاملاً مستقل بوده و به موقعیت کاربران بی‌اعتنا می‌باشد. هر کس در هر موقعیت و مکانی بدون هیچ مانعی میتواند با هر شخص دیگر در هر جایی از دنیا ارتباط یابد. ایجاد شبکه رایانه‌ای جهانی، ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و قدرت دولتها را نسبت به کنترل رفتار و آثار رفتار انجام شده در اینترنت کاهش داده و تلاشهای حاکمیت‌های داخلی را جهت اجرای قوانین خود نسبت به این پدیده جهانی بیهوده مینماید. اینترنت سیستم ناعده سازی بر اساس مرزها را واژگون نموده است. دکترین سنتی در خصوص اعمال حاکمیت شبکه را به عنوان یک وسیله انتقال صرف تلقی مینماید. لکن این طرز تفکر با توجه به ماهیت و عملکرد اینترنت قابل قبول نبوده و رژیم حقوقی نوینی در محیط فضای مجازی مورد نیاز می‌باشد لکن برای تعریف رژیم حقوقی این فضا بهتر است فضای مجازی را بعنوان یک امکان متمایز مانند دریاها، آزاد، قطب جنوب و فضای ماورای جو در نظر بگیریم. همانگونه که این سه فضای بین‌المللی، تحت سیطره هیچ حاکمیتی نبوده و صلاحیت دولتها در آنها نه بر مبنای سرزمین بلکه بر اساس ملاحظات دیگر مشخص میشود، در فضای مجازی نیز صلاحیت دولتها را بر اساس روابط دیگری تعیین نمائیم. زیرا اگر بخواهیم بر اساس موازین سنتی حاکمیت که بیشتر مبتنی بر مرزها است - به تنظیم اینترنت پردازیم با مشکلات فراوانی از جمله صلاحیتهای مضاعف و اصطکاک حاکمیت‌ها روبرو خواهیم بود.

به دلیل بی‌مرز بودن فضای مجازی، در خیلی از موارد اعمال اصول حقوق بین‌الملل عرفی با مشکل مواجه خواهد شد. حتی در صورت اعمال صلاحیت نیز مسئله اساسی استرداد مجرمین و متخلفینی که در صلاحیت کشور دیگری به سر می‌برند می‌باشد.

بهترین راه حل در این خصوص تصویب معاهدات چند جانبه جهت تعیین صلاحیت در فضای مجازی میباشد. با توجه به اینکه امکان فعالیتهای مختلف در اینترنت، موجب ظهور واژگانی مانند جرائم مجازی، شبه جرایم مجازی، «تجارت مجازی» «تروریسم مجازی» و «حمله مجازی» گردیده، دولتها نمیتوانند نسبت به تنظیم اینترنت بی‌اعتنا بوده و معتقد باشند که اینترنت شهری آزاد در آسمان است. جنبه‌های مختلفی از مسائل مالی و تجاری، حقوق مالکیت معنوی، جرائم رایانه‌ای حملات رایانه‌ای، سیاست و اخلاق حسنه، دولتها را ناگزیر از کنترل و قانونمند نمودن اینترنت نموده است.

با توجه به اینکه بر اساس اصول و قواعد حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی، کلیه آحاد بشر از حق آزادی بیان و دیگر عناصر آن یعنی حق کسب اطلاعات و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی برخوردار هستند این آزادی اطلاعات شامل اینترنت هم بوده و شهروندان هر جامعه باید ضمن توانائی دسترس به آن، بدون هیچ مانعی اطلاعات موجود در اینترنت را دریافت و منتشر نمایند. لکن اینترنت هم مانند دیگر ابزار اطلاع رسانی مشمول محدودیتهای وارد بر اصل آزادی بیان و اطلاعات که در قوانین و مقررات بین‌المللی مشخص گردیده از جمله رعایت و حفظ نظم عمومی، حفظ حریم خصوصی، جلوگیری از تحریک و ترغیب به جنگ، کینه توزی، تبعیض ملی، نژادی و مذهبی، ملاحظات امنیتی دولتها و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولتها میباشد. البته این محدودیتهای صرفاً در چارچوب موارد معین و مصرح در قانون و مقررات بین‌المللی مجاز میباشد.

ایجاد شبکه جهانی اینترنت و امکان ارتباط با اقصی نقاط دنیا در هر زمان و در هر مکان ویا بیشترین سرعت و کمترین هزینه، فرصتهای جدیدی برای اقدامات کینه جویانه از جمله اشاعه و تحریک به تبعیض نژادی، قومی، مذهبی و ملی بوجود آورده است. لذا دولتها باید بین توسعه آزادی بیان و اطلاعات و جلوگیری از اقدامات تبعیض آمیز تعادل ایجاد کنند. یعنی در عین حال که دولتها امکان دسترس به اطلاعات و کسب و نشر آنرا بدون هیچ مانعی برای افراد فراهم میکنند باید از طریق پخش اطلاعات و محتویات مثبت و حقایق پیرامون اقلیتهایی که مورد تبعیض هستند و همچنین با ایجاد آگاهی، توسعه، درک و افزایش بردباری در جامعه، از انجام فعالیت‌های تبعیض آمیز جلوگیری نمایند.

از طرفی با توجه به اینکه اصل آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین‌المللی بعنوان گرانبهارترین حقوق انسان و سنگ محک تمام آزادیها دانسته شده و با تفکیک حقوق مدنی و سیاسی از یک طرف و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از طرف دیگر، این حقوق جزء موازین حقوق فردی بشر و آن، دسته از حقوق بشر که حقوق طبیعی انسانها است محسوب شده و در دسته بندی حقوقی قرار گرفته که نقض آن به کرات شورای امنیت را مباحثر تو سل به زور و دخالت بشر دوستانه نموده است. در صورتی که این آزادیها را در زمره

موازن اساسی و بنیادین بشر قلمداد کنیم، نقض مستمر و مدارم آن توسط یک دولت علیه شهروندانش، ممکن است موجب مداخلات بشر دوستانه دولتهای دیگر با سازمان ملل متحد گردد.

با توجه به اینکه امروزه از اینترنت استفاده‌های مختلف تجاری، مالی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میشود، اغلب دولتها از نظر زیر بنایی به این وسیله وابسته بوده و همین امر سیستمهای داخلی دولتها مثل منابع انرژی، ارتباطات دوربرد، تسهیلات مالی، دفاع ملی و خدمات اساسی اجتماعی را نسبت به حملات رایانه‌ای آسیب پذیر نموده است. حملات رایانه ای که امروزه توسط هکرها ایجاد میشود این سوال را برای حقوق بین‌الملل مطرح نموده که آیا این حملات، مشمول قاعده منع توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد میباشد؟ زیرا آثار این حملات به همان اندازه حملات سنتی میتواند مصیت بار باشد.

به نظر بعضی از علما، منع توسل به زور مندرج در منشور شامل زور فیزیکی و اجبار نظامی می شود. لکن نه منشور ملل متحد و نه حقوق بین‌الملل عرفی، تعریفی از استفاده از زور به عمل نیاورده است. بنابراین ما زمانی می‌توانیم قاعده منع توسل به زور با تهدید به زور را در مورد حملات رایانه ای بکار گیریم که تأیید کرده باشیم این حملات نوعی استفاده از زور محسوب میشود. با توجه به قواعد کنونی حقوق بین‌الملل و تفسیر مضیق منشور ملل متحد، پذیرش این امر مشکل به نظر میرسد. از جانب دیگر، جامعه بین‌المللی بطور اجماع پذیرفته که منع توسل به زور شامل استفاده از سلاحهای مرسوم و همچنین سلاحهای بیولوژیکی و شیمیایی میباشد. اما در خصوص ابزار مورد استفاده در حملات رایانه ای، فعلا چنین برداشتی ندارد.

البته علیرغم آنکه منشور تعریفی از توسل به زور ننمود، لکن وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپرده است. لذا این شورا هر کجا تهدید علیه صلح و نقض صلح با اقدامات تجاوز کارانه را احراز نمود میتواند وارد عمل شده و جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی هر تصمیمی اتخاذ نماید. بنابراین در صورتیکه شورای امنیت، وقوع یک حمله رایانه ای را تهدید یا نقض صلح قلمداد کند، میتواند برطبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد هرگونه اقدامی را در مقابل حمله یاد شده در پیش گیرد.

با توجه به اینکه بر طبق منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی دفاع مشروع در مقابل حملات مسلحانه مجاز است. بنابراین در خصوص حملات رایانه‌ای، در صورتیکه آنرا حمله مسلحانه بدانیم، دفاع مشروع جایز است. لیکن مشکل اساسی حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد، تعریف حمله مسلحانه میباشد. بهترین راه حل این است که آثار اقدام رایانه ای را در نظر بگیریم تا اینکه مکانیسم‌های مورد استفاده حمله را مد نظر داشته باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- آراین، شهرام، (۱۳۹۸)، شأن نزول عدم توسل به زور ونزول شان آن، تهران، انتشارات آشیانه کتاب، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- اسلوین، جیمز، (۱۳۹۹)، اینترنت و جامعه، (مترجم: عباس گیلوری وعلی راد باوه)، تهران، نشر کتابداری.
- ۳- بروجردی علوی، مهدخت، (۱۳۹۷)، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، تهران، انتشارات سروش.
- ۴- حیدری، حمید، (۱۳۹۶)، توسل به زور در روابط بین الملل از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی وفقه شیعه چاپ اول، انتشارات اطلاعات.
- ۵- خسروی، علی اکبر، (۱۳۹۶)، حقوق بین الملل دفاع مشروع، چاپ اول، موسسه فرهنگی آفرینه.
- ۶- شریف، محمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل دخالت بشر دوستانه به لحاظ نقض حق جریان آزاد اطلاعات»، تهران، انتشارات سروش.
- ۷- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.
- ۸- طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۹۵)، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۹- کدخدایی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای از دیدگاه حقوق بین الملل»، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
- ۱۰- مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۱۳۹۹)، حقوق بشر در جهان امروز، الویتی برای سازمان ملل متحد، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
- ۱۱- ناجی، مرتضی، (۱۳۹۰)، جرایم رسانه ای در حقوق جزای بین المللی ایران، چالشهای حقوقی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای، تهران، انتشارات سروش.
- ۱۲- نمک دوست تهرانی، حسن، (۱۳۹۲)، «آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی، تهران، انتشارات سروش.

منابع خارجی

- 13- Aldrich, Richard, (2019), Are cyber attacks regarded an act of war? And how does this fit into traditional law of armed conflict? London, max way press.
- 14- Council of Europe, (2014), the Rule of Law and the Information Society, Strasbourg.
- 15- Grainger, Gareth, (2018), Freedom of Expression and Regulation of Information in Cyberspace, available.
- 16- Greenberg , Lawrence T & Seymour E Goodman & Kevin J Soo Hoo, (2019), Information Warfare and International Law, National Defense University Press.
- 17- Hamano, Masaki (2017), Comparative Study in Approach to Jurisdiction in Cyberspace, London, son's pess
- 18- Menthe, Darrel, (2015), Jurisdiction in Cyberspace: A Theory of International Spaces, 4mich telecomm.tech, 1, Rev.69.
- 19- Smith, Graham JH, (2016), Internet Law and Rcgulation, Sweet &Maxwell publisher, London.
- 20- Timofeeva, Yulia A, (2013), Racism Versus Freedom of Expression, Current and Future Approaches to the Regulation of Internet Hate Speech, Central European University.
- 24- Thomton, Sean M, (2020), States Criminal Law in Cyberspace The Richmond Journal of Law and Technology, volume IV, Issue2.